

پس از جنگ ۱۲ روزه و در جریان آتش بس

ایران در آغوش زندگی

■ شکستن تدریجی حصار اینترنت

■ شبی که مرگ پشت پنجره ایستاد

■ جنگ چهره زنانه ندارد

■ آرامش پس از طوفان

■ نقش NGOها در کاهش اثرات زیست محیطی جنگها



گزارش

پس از جنگ ۱۲ روزه و در جریان آتش‌بس

ایران در آغوش زندگی

ایپام ما| این صدای بازگشت به زندگی است. کسانی که با آغاز جنگ خانه‌هایشان را رها کرده بودند، کم‌کم دارند به پایتخت برمی‌گردند. کوچه و خیابان‌ها رنگ دیگری گرفته است. ایران دارد دوباره نفس می‌کشد. شهرها از حالت آماده‌باش خارج می‌شوند. قرار است در روز چهارشنبه ساعت ۶ بعدازظهر، ارکستر سمفونیک تهران در میدان آزادی برای مردم اجرا داشته باشد. با اینکه از دیروز تهران پر از گردوغبار شده، اما مغازه‌ها یکی‌یکی دارند باز می‌شوند و مردم به کسب‌وکارهای خود برمی‌گردند. ترافیک دارد به تهران برمی‌گردد. تیک‌وِتاک ساعت‌ها از سرعت خود کاسته و معنای آن تغییر کرده است. در ۱۲ روزی که گذشت، «ایپام ما» تلاش کرد روایت‌هایی از زندگی مردم، محیط‌زیست و میراث‌فرهنگی در شرایط جنگی را منتشر کند. راهی که همچنان برای ایران و مردم این سرزمین ادامه می‌دهیم.

زندگی دو هفته پیش ناگهان از تهران رفت. بعد از همان شب مشوش و ترسناک که بر طبل جنگ کوبیدند، بسیاری از اهالی شهر رفتند. حالا بعد از ساکت شدن پدافندها و هواییماها ذره‌ذره زندگی به شهر برمی‌گردد. هرچند بازار روز هنوز خلوت است، نانوایی هم، سوپر محل هنوز بیک ندارد و هرکس خودش باید تا مغازه برود و خرید کند. بسیاری از رستوران‌ها هنوز بسته‌اند. رانندگی از یک‌سوی شهر به سوی دیگر در کمتر از ۲۰ دقیقه و بدون ترافیک، لذتبخش نیست، دلگیر است. ترافیک یعنی این شهر زنده است و آدم‌هایش دارند سر کار می‌روند. صف نانوایی یعنی اینکه بوی نان تازه در خانه‌های بیشتری می‌پیچد. یک نفر نوشته: «کی فکرش رو می‌کردم لمه برای شلوفی مترو تنگ بشه». بعضی‌ها هم می‌خواهند مسیر زندگی‌شان را تغییر دهند: «من که دیگه برنمی‌گرم تهران، همین روستامون بهتر از تهرانه، می‌خوام بمونم.» پایتخت از دیروز آرام‌آرام با خلوتی خیابان‌ها و اتوبان‌هایش خداحافظی می‌کند. برخلاف دو هفته پیش که راه‌های خروجی پر از خودروهایی بود که به جایی امن می‌رفتند. از دیروز اما آدم‌ها یکی‌یکی دوباره در خیابان و لابی و کوچه بهم می‌کنند. آنها که تهران بودند، خاطرات تلخشان را مرور می‌کنند و آنها که نبودند، نگرانی‌هایشان را در جایی دور از خانه نقل می‌کنند. آنها که مانده بودند، شب‌ها با اضطراب چشم می‌بستند و دقایقی بعد با صدای انفجار بیدار می‌شدند و روزها شاهد تخریب ذره‌ذره شهری بودند که دوستش داشتند و آن‌ها که نبودند، بعد از بازگشت به خانه بعضی به یکباره با دیواری تخریب‌شده و شیشه‌ای شکسته و جام‌های خردشده در خانه‌ای که مرتب و منظم رهایش کردند، روپه‌رو شدند. بازگشت به زندگی بعد از جنگ، فرایندی دردناک است. نمی‌دانی چه چیزی انتظارت را می‌کشد. گاهی آدم‌ها مجبورند از دست‌دادن‌هایشان مواجه شوند، حال می‌خواهد خانه‌ای باشد یا دوستی در نزدیکی یا همسایه‌ای در خانه مجاور یا شهری که دیگر مثل قبل نیست. آدم‌های این شهر چه مانده باشند و چه این دو هفته را در جایی دور گذرانده باشند، دیگر آدم‌های قبل از آن شب نخواهند شد. آنها از جنگی ۱۲روزه بیرون آمده‌اند. جنگی که قرار است با تبعاتش درگیر باشند. حالا چراغ خانه‌ها یکی‌یکی روشن می‌شود. پارکینگ‌ها دیگر خالی نیست. یک نفر در شبکه‌های اجتماعی نوشته: «پینه‌دوکل محل ما دو هفته است سر کار نیامده، نمی‌دانم زندگی‌اش در این مدت چطور گذشته.» جنگ ۱۲روز طول کشید، اما به‌اندازه ۱۲ سال برای ما خاطره تلخ و ترس و تشویش ساخت. روزهایی که فراموش نمی‌شود و شیشه‌ها را می‌لرزاند، دست از سرشان بر نمی‌دارد. کسی در تصویری که از خانه‌اش منتشر کرده، شیشه‌های خاک‌گرفته تری را در کنار دیوارهای فروریخته قاب گرفته و نوشته: «خوبه که این شیشه‌ها سالم مانده.» بسیاری از آنها که به خانه برگشته‌اند، با دیواری ویران‌شده و اتاقی بدون شیشه و در معرض باد رویه‌رو شدند. جنگ همین است: بی‌رحم و ویرانگر، رنج و جان و خانه و شهر را ویران می‌کند. حالا بازسازی شهر دوباره دارد شروع می‌شود.

گزارش



فاطمه پایاخانی

روزنامه‌نگار|

در تبریز مردم می‌دانستند چه ساعت‌هایی حمله شروع می‌شود، یکی صبح حوالی ساعت ۹ تا ۹:۳۰ و یکی شب‌هنگام بین ساعت ۸ تا ۱۰. «بهرام تندران»، فعال محیط‌زیست و کوهنورد ساکن تبریز، اینها را می‌گوید. از زمانی که آتش‌بس صورت گرفته، حملات هم متوقف شده است، تنها دو شب قبل یعنی سه‌شنبه‌شب یکبار صدای پدافند و پیش‌ازآن صدای انفجار آمد.

به‌گفته تندران، در تبریز بافت مرکزی شهر درگیر جنگ نبود، اما ساکنان چهار منطقه ۳، ۷، ۶ و ۱۰ صدای انفجارها و پدافندها را خیلی خوب می‌شنیدند. «منطقه ۷ که در آن شهرک اندیشه قرار دارد، بیش از بقیه درگیر بود. سایت هاگ و پدافند شمال‌غرب در همین منطقه قرار گرفته است. سپاه عاشورا که در روزهای اخیر مورد حمله قرار گرفت، در نزدیکی منطقه ۳ و منظریه قرار داشت. حمله باعث شد در برخی کوچه‌ها شیشه منازل شکسته شود. فرودگاه شکاری تبریز هم در نزدیکی دو منطقه ۶ و ۱۰ قرار داشت.»

این ساکن تبریز به این چهار مورد، منطقه دیگری را هم اضافه می‌کند: منطقه ۵ که سعیدآباد در حوالی آن قرار دارد. اما منطقه مورد حمله ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر با محل زندگی مردم البته به‌تازده بودند. ترافیک بسیار کم شده بود و در روزهای جنگ موردی از آن را مشاهده نکردم؛ حتی در ساعت‌هایی که اوج ترافیک شهر بود. پس از آتش‌بس انگار که حال‌وهوای شهر زنده‌تر شد.»

او از این می‌گوید که گرچه مردم در تبریز مانده بودند، اما ترجیح می‌دادند در خانه بمانند. «تبریز نسبت به تهران خیلی امن‌تر بود. مردم زندگی روزمره‌شان را داشتند، اما از خانه بیرون نمی‌آمدند.» «هاها بهروز» و «علیاس جباری»، دو کودک هفت‌ساله تبریزی، به‌گفته تندران، در زمان حمله در حال بازی خارج از خانه بودند که به هر دو ترکش اصابت کرد و کشته شدند. «یک نفر از نیروهای هلال‌احمر را هم شهید کردند.»

شب آتش‌بس هواییمایی بالای تبریز بود که فضای روانی بدی را برای ساکنان این شهر ایجاد کرد. «کسانی که جنگ را دیده بودند، بهم‌ریخته و تریسیده بودند.»

زندگی در کرمانشاه جریان داشت

«ژیوار کریمی» ساکن کرمانشاه است. او دوره ۱۲روزه

پیام ما

از تبریز، شیراز و کرمانشاه در ۱۲روز گذشته گزارش می‌دهد

روایت ۳ شهر در روزهای جنگ

«مردم تنها تا شیراز، بلکه از آباده و سایر شهرها خودشان را به پارک ملی یمو رساندند تا آتش را خاموش کنند. حتی برخی فرصت نکرده بودند یک بطری آب با خودشان بردارند. همه آمدند تا حرقی که به‌واسطه حمله جنگنده‌ها و پهپادها به جان بمو افتاده بود، خاموش شد.» اینها را «بهمن ایزدی»، فعال محیط‌زیست ساکن شیراز، می‌گوید. در تبریز به‌گفته «بهرام تندران»، فعال محیط‌زیست و کوهنورد ساکن این شهر، مردم برنامه زمان‌بندی حمله‌ها را می‌دانستند و خودشان را آماده می‌کردند. «ژیوار کریمی»، فعال گردشگری ساکن کرمانشاه، نیز از حمله‌های گاه و بیگاه می‌گوید و نگرانی‌هایی که بابت حفاظت از «طاق‌بستان» به‌وجود آمد. باین‌حال، به‌گفته هر سه نفر به‌خلاف تهران، زندگی در کرمانشاه، تبریز و شیراز جریان داشت و این شهرها خالی از سکنه نشدند یا جمعیتشان مشابه تهران محدود نشد.

جنگ را در شهر بود، یعنی همان زمانی که انفجاری در حوالی طاق‌یستان اتفاق افتاد. «پادگان امام‌حسن چندین‌بار مورد حمله قرار گرفت و چند نفر شهید شدند. پس‌ازآن، پادگان دیگری را زدند. این پادگان در حوالی طاق‌یستان بود و انفجار پهپاد نگرانی‌هایی بابت آسیب‌دیدن طاق‌یستان به‌وجود آورد که خوشبختانه این سایت تاریخی آسیبی ندید.»

یکی از اتفاقات تلخ در کرمانشاه، شهری که بارها مورد حمله قرار گرفت، آسیب‌دیدن بیمارستان فارابی بود. «حمله‌ای به بیمارستان فارابی داشتیم که محل مراجعه بیماران اعصاب و روان است، چند نفر آسیب دیدند و چند روزی هم بیمارستان بسته شد. بنا به گفته مسئولان، هزینه خسارت وارده‌شده به بیمارستان چند ده میلیارد تومان است.»

دهکده المپیک از دیگر مکان‌هایی بود که در کرمانشاه تخریب شد. «دهکده المپیک محلی برای پرورش اسب و تفریح مردم است. اهالی در این دهکده اسب پرورش می‌دهند. در حمله‌ای که به این منطقه شد ۸۷ اسب از بین رفت.» به‌گفته کریمی، در روزهای جنگ در کرمانشاه زندگی جریان داشت. «اینجا مردم زندگی عادی را دارند. در هفته اول نوساناتی داشتیم، اما درنهایت مردم زندگی‌شان را به روال قبل برگرداندند. چند شب قبل صدای انفجاری آمد که نشان می‌داد دوباره دهکده المپیک را زده‌اند. اما این موضوع باعث نشد روال زندگی تغییر کند. مادرم راحت خریدش را می‌رفت و خوشبختانه همه‌چیز هم در بازار وجود داشت.»

بمو را همه با هم خاموش کردند

شیراز در بازه زمانی جنگ، از نظر «بهمن ایزدی»، فعال محیط‌زیست ساکن این شهر، دو مشکل داشت: اطراف شهر که مورد حمله قرار می‌گرفت و آتش‌سوزی‌های زاگرس. «در زاگرس اوضاع خوبی نداشتیم. برای همه واضح و مبهرن شده که عده‌ای دوست دارند جنگل را بسوزانند و از بین ببرند.»

به‌گفته ایزدی، حملات مداوم اسرائیل در شیراز کسب‌وکارها را تحت‌تأثیر خود قرار داد. «این آمدن‌ها و رفتن‌ها و کوبیدن‌ها وضعیت عادی زندگی را بهم ریخت. مراکز تجاری مثل سابق باز نبودند و مشکلاتی به‌وجود آمد.»

درعبن‌حال، مشابه سایر شهرها قطعی اینترنت هم

یک روز پس از آتش‌بس، مسئولان از بازگشت اینترنت به وضعیت عادی خبر می‌دهند

شکستن تدریجی حصار اینترنت

داده‌های رادار کلادفلر نشان می‌دهد افت شدید اینترنت همچنان ادامه دارد؛ از یک‌سو، کاهش چشمگیر حجم ترافیک و از سوی دیگر، اختلال‌های مداوم و نقطه‌ای

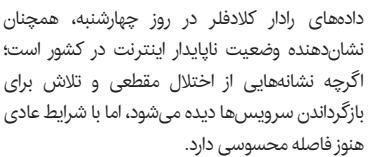
یک روز پس از اعلام آتش‌بس میان ایران و رژیم صهیونیستی، دسترسی کاربران به اینترنت به‌تدریج در حال بازگشت است. در ۱۳ روز گذشته، کاربران با محدودیت‌ها و اختلالات گسترده‌ای در اینترنت مواجه بودند و این روند، خدمات دیجیتال و کسب‌وکارهای اینترنتی را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داد. اکنون وزیر ارتباطات اعلام کرده که روند بهبود و بازگشت اتصال به شرایط عادی آغاز شده است، هرچند بررسی‌های «پیام ما» نشان می‌دهد وضعیت هنوز کاملاً پایدار نیست.

جنگ، تیم‌های امنیت سایبری اقدامات گسترده‌ای را برای دفع حملات سایبری و شناسایی و جلوگیری از مسیریهای سوءاستفاده دشمن، انجام دادند. اقدامات مذکور ناگزیر محدودیت‌هایی در سطح شبکه ارتباطی ایجاد کرد که موجب قطع مسیریهای دسترسیی اطلاعاتی دشمن شد، لیکن سختی‌هایی را نیز برای مردم در پی داشت.»

گزارش خاموشی

در سومین روز جنگ، گاردین در گزارشی با تیتیر «مثل این است که در یک دیوار محصور شده‌ایم، به وضعیت اینترنت در ایران پرداخت و روایت‌هایی از جوانان تهرانی منتشر کرد که شبانه‌روز تلاش می‌کنند تا با لینک‌های پراکسی از خاموشی اینترنت عبور کنند. در این گزارش آمده بود کاربران همچنان تلاش می‌کنند صدای خود را به جهان آزاد برسانند. آن‌هم در شرایطی که به‌گفته یکی از آنها، «جنگ دارد عادی می‌شود، اما این خاموشی است که ما را پاک می‌کند… نامرئی می‌کند. باین‌حال، ما هنوز اینجا‌یییم. هنوز تلاش می‌کنیم به جهان آزاد وصل بمانیم.»

در روزهای نخست پس از حمله اسرائیل، پلتفرم نتجلاکس گزارش داد دسترسی به اینترنت بین‌المللی به ۳ درصد رسیده که به‌معنای خاموشی گسترده بود. براساس داده‌های نتجلاکس این خاموشی حدود ۶۲ ساعت بطول انجامید و سپس اخباری از بهبودی نسبی و «بازگشت بخشی از سرویس‌ها» شنیده شد، هرچند در تهران و شهرهای بزرگ دسترسی همچنان ناپایدار و پایین‌تر از حد عادی بود. عصر سه‌شنبه، در نخستین روز اعلام آتش‌بس، خبری به‌نقل از صلادوسیمادست‌جهت‌ست



داده‌های رادار کلادفلر در روز چهارشنبه، همچنان نشان‌دهنده وضعیت ناپایدار اینترنت در کشور است؛ اگرچه نشانه‌هایی از اختلال مقطعی و تلاش برای بازگرداندن سرویس‌ها دیده می‌شود، اما با شرایط عادی هنوز فاصله محسوسی دارد.

در روزهای نخست و ابتدای اختلال‌ها، کاربران ثابت سهم بیشتری از ترافیک بین‌المللی را حفظ کردند و در بعضی ساعات حتی تا ۵۰ درصد از کل ترافیک سهم آنها بود. اما در روزهای اخیر این سهم اندکی کاهش یافته و به حدود ۴۰ درصد برگشته که احتمالاً ناشی از بازگشت تدریجی کاربران موبایل و تقسیم دوباره ترافیک است. براساس نمودار این سامانه پایش جهانی اینترنت، «حجم ترافیک» (Bytes transferred) همچنان پایین‌تر از حد معمول است. نرخ «دردسترس‌بودن پروتکل‌ها» (Uptime) هم در بعضی ساعات، به‌خصوص در ابتدای روز، افت قابل‌توجهی داشته که احتمالاً ناشی از اعمال سانسور یا فیلترینگ سراسری است.

در بخش مربوط به «دستگاه‌ها و کاربران»، نسبت موبایل/دسکتاپ و انسان/بات همچنان مطابق الگوی همیشگی است، هرچند مجموع حجم کاربران در همه گروه‌ها کاهش یافته است. همچنین، در بخش «نقاط خرابی یا اختلال/ Anomalies / Outage Center» چندین هشدار ثبت شده است که به‌نظر می‌رسد با شرایط بحرانی یا محدودسازی موقت مرتبط باشد.

با اینکه در خبرها اعلام شده اینترنت در حال بازگشت به وضعیت عادی است، کاهش شدید ترافیک (در حدود ۹۰ تا ۹۷ درصد) همچنان ادامه دارد؛ این مسئله نشان می‌دهد برخلاف ادعاهای مطرح‌شده، شرایط هنوز به حالت اولیه بازنگشته است. دسترسی برقرار، اما همچنان ناقص است و فیلترینگ انتخابی برای برخی سرویس‌ها اعمال می‌شود. براساس این داده‌ها، بررسی‌های «پیام ما» نشان می‌دهد با وجود بازگشت تدریجی اینترنت، افت شدید همچنان ادامه دارد؛ از یک‌سو، کاهش چشمگیر حجم ترافیک (۸۰ تا ۹۰ درصد پایین‌تر از حد نرمال) و از سوی دیگر، اختلالات مداوم و نقطه‌ای در طول روز، حاکی از محدودیت یا فیلترینگ مقطعی است. با این‌همه، بهبود نسبی در برخی ساعات می‌تواند نشانه‌ای از اعمال محدودیت‌هایی بر پایه زمان یا منطقه باشد، نه قطع کامل اینترنت.

در مجموع، با وجود وعده‌های رسمی و برخی نشانه‌های بهبود، هنوز نمی‌توان وضعیت اینترنت را عادی توصیف کرد.

| سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۱۵۹ | پنجشنبه ۵ تیر ۱۴۰۴ |

گزارش

با رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب شد

الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس

بین‌المللی انرژی اتمی

ایپام ما| در پی حوادث اخیر و تشدید تنش‌ها میان جمهوری اسلامی ایران و برخی قدرت‌های غربی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز چهارشنبه، با اکثریت قاطع آراء، طرح الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تصویب کردند. این تصمیم در واکنش به آنچه «رفتار سیاسی و گزارش‌های نادرست» آژانس و «تقص حاکمیت ملی ایران» از سوی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده خوانده شد، اتخاذ شده است.

در جریان بررسی اولویت رسیدگی به گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس درباره این طرح، نمایندگان با ۲۱۰ رأی موافق از مجموع ۲۱۹ نماینده حاضر در صحن، با بررسی فوری آن موافقت کردند. سپس در ادامه جلسه، کلیات طرح با ۲۲۱ رأی موافق و بدون رأی مخالف و جزئیات آن نیز با ۲۲۲ رأی به تصویب رسید. این رأی‌گیری بی‌سابقه بدون هیچ رأی مخالفی صورت گرفت و پس از آن، فضای صحن مجلس با شعارهای «الله‌اکبر»، «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» پر شد.

در ماده واحده این طرح آمده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است هرگونه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از جمله اجرای پادمان‌ها و تعهدات مبتنی‌بر معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، را تا حصول دو شرط کلیدی به حالت تعلیق درآورد: ۱. اطمینان از رعایت کامل حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و تأمین امنیت مراکز و دانشمندان هسته‌ای کشور بر مبنای منشور سازمان ملل، با تشخیص شورای عالی امنیت ملی. ۲. اطمینان از رعایت کامل حقوق ذاتی ایران در بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز و غنی‌سازی اورانیوم طبق ماده ۴ معاهده NPT.

طبق تبصره طرح، تشخیص تحقق این شروط برعهده شورای‌عالی امنیت ملی خواهد بود و دولت موظف است هر سه‌ماه یک‌بار گزارشی از وضعیت اجرای این قانون به مجلس و شورای‌عالی امنیت ملی ارائه دهد.

در متن طرح تاکید شده است ازاین‌پس نصب هرگونه دوربین پادمانی و فرایادمانی در تأسیسات هسته‌ای ایران ممنوع خواهد بود و هیچ‌گونه بازرس یا مقام اجرایی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حق ورود به کشور را نخواهد داشت. همچنین، ارائه هرگونه گزارش فعالیت‌های هسته‌ای به آژانس ممنوع اعلام شده است.

موضع نمایندگان و اعضای کمیسیون امنیت ملی

«علی خضریان»، یکی از پیشنهاددهندگان اصلی این طرح، در نطق خود بیان کرد دشمنان ایران، به‌ویژه رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، از گزارش‌های غلط آژانس برای توجیه اقدامات خصمانه خود علیه ایران استفاده کرده‌اند. او افزود ایران تاکنون حتی بیش از تعهدات پادمانی با آژانس همکاری کرده، اما در مقابل، مورد بی‌اعتمادی و رفتارهای سیاسی قرار گرفته است.

«نبویان»، عضو کمیسیون امنیت ملی، نیز تصریح کرد ایران همچنان به معاهده NPT پایبند است و موضوع طرح خروج از این معاهده نیست، بلکه تعلیق همکاری با آژانس را دنبال می‌کند تا امنیت و حقوق هسته‌ای کشور تضمین شود. به‌گفته او، «گزارش‌های ما به آژانس مستقیماً به رژیم صهیونیستی منتقل می‌شد» و همین امر، تهدیدی برای دانشمندان و تأسیسات هسته‌ای ایران بوده است.

در ادامه بررسی این طرح، «محمدصالح جوکار»، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور، پیشنهاد افزودن تصوراتی مبنی‌بر تعیین مجازات برای متخلفان از اجرای این قانون را مطرح کرد. این تبصره نیز با ۱۹۰ رأی موافق به تصویب رسید. براساس این مصوبه، هرگونه اقدام یا ترک فعل که باعث عدم اجرای کامل این قانون شود، جرم تلقی می‌شود و مرتکبان به مجازات تعزیری درجه ۶ طبق قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

«محمدباقر قالیباف»، رئیس مجلس شورای اسلامی، در واکنش به تصویب این طرح، در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «کلیات و جزئیات طرح تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدون رأی مخالف در مجلس به تصویب رسید. هر نوع همکاری با آژانس یا ارائه گزارش به آنها و ورود بازرسان و مدیران آژانس تا حصول اطمینان از تأمین امنیت مراکز هسته‌ای و دانشمندان ما ممنوع خواهد بود.»

درحالی‌که تهران همچنان بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود تاکید دارد، رویکرد تازه مجلس نشان می‌دهد اولویت اصلی در شرایط فعلی، تأمین امنیت مراکز و دانشمندان هسته‌ای کشور و جلوگیری از بهره‌برداری سیاسی دشمنان از سازوکارهای نظارتی آژانس است.

پشت پرده ویرانی‌های محیط‌زیستی

طبیعت، قربانی خاموش جنگ‌ها



مادرزادی و بیماری‌های مزمن رنج می‌برند.

در جنگ خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱، نیروهای عراقی صدها چاه نفت را به آتش کشیدند که این آتش‌سوزی‌ها باعث انتشار میلیون‌ها تن دود و آلاینده به هوا و آلودگی شدید خاک و آب منطقه شد. این حادثه آسیب‌های گسترده‌ای به طبیعت منطقه وارد کرد و سلامت انسان‌ها را نیز به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داد.

جنگ داخلی سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، زیرساخت‌های حیاتی آب، کشاورزی و محیط‌زیستی را به‌شدت نابود کرد. بمباران سدها و آلودگی منابع آب باعث شد میلیون‌نفر در معرض بحران شدید آب و ناامنی غذایی قرار گیرند. وضعیت سوریه نمونه‌ای بارز از تأثیرات بلندمدت و پیچیده جنگ بر طبیعت و انسان است.
در یمن نیز جنگ شدید زیرساخت‌های کشاورزی و منابع‌طبیعی این کشور را تخریب کرده است. استفاده از سلاح‌های ممنوعه و بمباران مناطق کشاورزی باعث نابودی زمین‌های زراعی و کاهش دسترسی به منابع آب شده است؛ وضعیتی که سلامت و معیشت مردم را برای سال‌ها تهدید می‌کند.

در جنگ یوسنی و هرزگوین، مناطق جنگلی وسیعی سوخت و رودخانه‌ها به‌شدت آلوده شدند. تخریب محیط‌زیست در این جنگ کاهش تنوع‌زیستی و مشکلات گسترده برای ساکنان مناطق آسیب‌دیده شد. جنگ‌های اخیر در جمهوری دموکراتیک کنگو نیز به تخریب گسترده جنگل‌های بارانی منجر شده است؛ جنگل‌هایی که از مهم‌ترین منابع اکسیژن جهان و زیستگاه گونه‌های نادر است. قاچاق سلاح و درگیری‌های مسلحانه باعث شده‌است حفاظت از این اکوسیستم‌های حیاتی به‌شدت آسیب ببیند.

📌 قوانین و واقعیت‌ها: چالش حفاظت در میدان جنگ
سال ۱۳۵۶ شمسی (۱۹۷۷ میلادی) کنوانسیون ژنو بندهایی برای حفاظت محیط‌زیست در جنگ تصویب



امهدی خاکی‌فیروز|

روژنامه‌نگار|

جنگ‌ها همیشه ویرانی به‌همراه دارند؛ معمولاً تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها و آسیب به شهرها را ارزیابی می‌کنند، اما کمتر به آسیب واردشده به طبیعت توجه می‌شود. وقتی گلوله‌ها و بمب‌ها به زمین می‌خورند، جنگل‌ها می‌سوزند، آب‌ها آلوده می‌شوند و اکوسیستم‌ها از بین می‌روند. این آسیب‌ها گاهی به‌سرعت رخ نمی‌دهند؛ بلکه به‌مرور زمان زندگی گیاهان، حیوانات و سلامت درازمدت مردم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. سؤال مهم این است: آیا قوانین جهانی توانسته‌اند از طبیعت در جنگ محافظت کنند؟ این گزارش به بررسی قانون‌ها، چالش‌های اجرای آنها و راهکارهای پیش رو می‌پردازد.

📌 نمونه‌های مهم تخریب

تاریخ معاصر پر است از نمونه‌هایی که نشان می‌دهد جنگ چگونه محیط‌زیست را به نابودی می‌کشاند و پیامدهای طولانی‌مدتی بر زندگی انسان‌ها و حیوانات برجای می‌گذارد. در جنگ ویتنام، ارتش آمریکا برای کاهش پوشش جنگلی و محروم‌کردن نیروهای ویتنام شمالی از پناهگاه‌ها، میلیون‌ها لیتر ماده شیمیایی موسوم به «عامل نارنجی» را بر جنگل‌ها و مزارع این کشور پاشید. این سموم باعث نابودی گسترده گیاهان، مرگ هزاران حیوان و آلودگی خاک و آب شد. اثرات آن تا امروز درقی می‌مانده است و نسل‌های زیادی از انسان‌ها و حیوانات از مشکلات شدید سلامتی، نقص‌های

یادداشت

۳

جنگ جهانی اول

همچنین، توافقنامه‌های پس از جنگ ویتنام تدوین شد که استفاده از تغییرات عمدی و مخرب محیطی مانند باران مصنوعی یا خشکسالی ساختگی را ممنوع می‌کرد. اما این توافقنامه تنها روی کاغذ باقی مانده و تأثیر عملی چندانی نداشته است.

در میدان جنگ زیرساخت‌های حیاتی مثل آب و کشاورزی هدف قرار گرفته‌اند. این آسیب‌ها اثرات بلندمدت و به‌شکلی آرام بر زندگی و محیط می‌گذراند که گاهی به آن «خشونت آرام» می‌گویند.

📌 نگاه نو: حقوق طبیعت فراتر از انسان

امروزه بسیاری از حقوق‌دانان و فعالان محیط‌زیست معتقدند باید از نگاه سنتی انسان‌محور به زیست‌محور حرکت کنیم. این دیدگاه می‌گوید طبیعت به‌جز بستر زندگی انسان، خودش نیز اهمیت مستقل دارد و موجودی باارزش و دارای حقوق ذاتی است.

بدون این تغییر نگرش، حفاظت محیط‌زیست همواره در اولویت‌های پایین‌تری قرار خواهد گرفت و قربانی منافع کوتاهمدت و سیاسی می‌شود. اعطای حقوق مستقل به طبیعت، راهی است برای بهبود قوانین و افزایش مسئولیت‌پذیری کشورها در جنگ‌ها.

📌 راه‌های نجات طبیعت در جنگ

برای اینکه طبیعت قربانی جنگ‌ها نشود، باید چند اقدام مهم انجام شود. ابتدا باید حساسیت عمومی نسبت به آسیب‌های محیطی افزایش یابد؛ انتشار گزارش‌های تخصصی و اطلاع‌رسانی مؤثر، افکار عمومی و تصمیم‌گیرندگان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

دوم، تصویب قوانین بین‌المللی جامع و الزام‌آور ضروری است. این قوانین باید تمام مراحل جنگ از قبل شروع تا بعد از پایان آن را در بر گیرند.

سوم، ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت بر اجرای این قوانین و پیگیری جرایم محیط‌زیستی ضروری است تا قدرت بازدارندگی افزایش یابد.

در گام چهارم نیز لازم است حقوق طبیعت به رسمیت شناخته شود تا رودخانه‌ها، جنگل‌ها و حیوانات به‌عنوان ذی‌نفعان مستقل در نظام حقوقی دیده شوند.

و درنهایت، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی باید در فرهنگ‌سازی و آموزش نقش فعال داشته باشند تا اهمیت حفاظت محیط‌زیست در جنگ‌ها به‌خوبی درک شود.

جنگ جهانی دوم

همچنین، توافقنامه‌های پس از جنگ ویتنام تدوین شد که استفاده از تغییرات عمدی و مخرب محیطی مانند باران مصنوعی یا خشکسالی ساختگی را ممنوع می‌کرد. اما این توافقنامه تنها روی کاغذ باقی مانده و تأثیر عملی چندانی نداشته است.
در میدان جنگ زیرساخت‌های حیاتی مثل آب و کشاورزی هدف قرار گرفته‌اند. این آسیب‌ها اثرات بلندمدت و به‌شکلی آرام بر زندگی و محیط می‌گذراند که گاهی به آن «خشونت آرام» می‌گویند.

📌 نگاه نو: حقوق طبیعت فراتر از انسان

امروزه بسیاری از حقوق‌دانان و فعالان محیط‌زیست معتقدند باید از نگاه سنتی انسان‌محور به زیست‌محور حرکت کنیم. این دیدگاه می‌گوید طبیعت به‌جز بستر زندگی انسان، خودش نیز اهمیت مستقل دارد و موجودی باارزش و دارای حقوق ذاتی است.

بدون این تغییر نگرش، حفاظت محیط‌زیست همواره در اولویت‌های پایین‌تری قرار خواهد گرفت و قربانی منافع کوتاهمدت و سیاسی می‌شود. اعطای حقوق مستقل به طبیعت، راهی است برای بهبود قوانین و افزایش مسئولیت‌پذیری کشورها در جنگ‌ها.

📌 راه‌های نجات طبیعت در جنگ

برای اینکه طبیعت قربانی جنگ‌ها نشود، باید چند اقدام مهم انجام شود. ابتدا باید حساسیت عمومی نسبت به آسیب‌های محیطی افزایش یابد؛ انتشار گزارش‌های تخصصی و اطلاع‌رسانی مؤثر، افکار عمومی و تصمیم‌گیرندگان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

دوم، تصویب قوانین بین‌المللی جامع و الزام‌آور ضروری است. این قوانین باید تمام مراحل جنگ از قبل شروع تا بعد از پایان آن را در بر گیرند.

سوم، ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت بر اجرای این قوانین و پیگیری جرایم محیط‌زیستی ضروری است تا قدرت بازدارندگی افزایش یابد.

در گام چهارم نیز لازم است حقوق طبیعت به رسمیت شناخته شود تا رودخانه‌ها، جنگل‌ها و حیوانات به‌عنوان

ذی‌نفعان مستقل در نظام حقوقی دیده شوند.

و درنهایت، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی باید در فرهنگ‌سازی و آموزش نقش فعال داشته باشند تا اهمیت حفاظت محیط‌زیست در جنگ‌ها به‌خوبی درک شود.

پروتکل / معاهده	هدف حفاظت محیطی	ضعف‌ها و محدودیت‌ها
کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷) – مواد ۳۵ و ۵۵	ممنوعیت آسیب‌های گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط	تعاریف کلی و ابهام در مفاهیم، نبود سازوکارهای اجرایی قوی
(پروتکل اضافی اول کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷)	محدود کردن اثرات جنگ بر محیط‌های غیرنظامی	اجرای ناکافی و عدم پذیرش کامل توسط همه کشورها
توافقنامه تغییرات عمدی محیطی (ENMOD, ۱۹۷۷)	ممنوعیت استفاده از تغییرات عمدی محیطی به‌عنوان سلاح	کلی بودن، ضعف در تعیین مصادیق و کمبود ضمانت اجرایی
کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های جلوگیری از آسیب‌های محیطی ناشی از سلاح‌های شیمیایی (CWC, ۱۹۹۳)	جلوگیری از آسیب‌های محیطی ناشی از سلاح‌های شیمیایی	محدود به سلاح‌های شیمیایی؛ اجرای دشوار در مناطق جنگی
کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیکی (BWC, ۱۹۷۲)	جلوگیری از استفاده از عوامل بیولوژیکی مخرب	فقدان مکانیزم‌های نظارتی و الزام‌آور قوی
عرف بین‌الملل (Customary International Law)	رعایت اصل تفکیک هدف‌ها و اصل احتیاط در عملیات نظامی	فاقد ضمانت اجرایی مشخص و وابسته به اراده طرفین درگیر
منشور سازمان ملل متحد	حفظ صلح و جلوگیری از تخریب‌های غیرضروری	کلی و با اولویت‌های سیاسی؛ حفاظت محیطی به‌صورت ضمنی
(کنوانسیون رامسر (محافظت از تالاب‌ها	حفاظت از تالاب‌های مهم زیست‌محیطی	تمرکز محدود بر تالاب‌ها، تأثیر محدود در مناطق جنگی
معاهده‌های منطقه‌ای حفاظت محیط‌زیست	حفظ محیط‌زیست در مناطق خاص جغرافیایی	محدودیت جغرافیایی و سیاسی، عدم پوشش همه مناطق جنگی

نقش سازمان‌های غیردولتی در کاهش اثرات زیست‌محیطی جنگ‌ها

اثرات زیست‌محیطی جنگ‌ها عمیق و چندوجهی هستند. بمباران‌ها و عملیات نظامی می‌توانند جنگل‌ها، تالاب‌ها و زمین‌های کشاورزی را نابود کنند؛ چنان‌که در غزه (۲۰۲۳) شاهد تخریب ۲۰ درصد از زمین‌های کشاورزی بودیم. آلودگی ناشی از مواد منفجره، نشت نفت و تسلیحات شیمیایی مانند سفیر سفید در غزه (۲۰۰۸–۲۰۰۹)، آب و خاک را غیرقابل پایدار ارائه می‌دهند. سلامت جوامع را به خطر می‌اندازد. در اوکراین تخریب سد کاخوفکا در سال ۲۰۲۳ منجر به آلودگی گسترده رودخانه دنیپرو شد و حیات‌وحش و منابع آبی را تهدید کرد. این اثرات نمتنها اکوسیستم‌ها را نابود می‌کنند بلکه با مختل‌کردن دسترسی به آب پاک و غذا، بحران‌های اجتماعی نظیر مهاجرت اجباری را نیز تشدید می‌سازند. در این میان، سازمان‌های مردم‌نهاد بدلیل توانایی در اقدام سریع و مستقل، نقشی کلیدی در کاهش این خسارات ایفا می‌کند و از طریق همکاری با جوامع محلی و نهادهای بین‌المللی، راه‌حل‌هایی پایدار ارائه می‌دهند.

در مرحله پیشگیری، سازمان‌های مردم‌نهاد با آموزش جوامع محلی و بهره‌گیری از دیپلماسی زیست‌محیطی، از بروز تخریب‌های احتمالی جلوگیری می‌کنند. آموزش مدیریت پایدار منابع، مانند کشاورزی مقاوم و صرفه‌جویانه، تاب‌آوری جوامع را در برابر بحران‌های جنگی افزایش می‌دهد. برای نمونه، سازمان اکواکشن (EcoAction) در اوکراین کارگاهایی برای آموزش آبیاری قطره‌ای و کشت گونه‌های مقاوم به خشکسالی برگزار کرد که مصرف آب را در مناطق روستایی کاهش داد. دیپلماسی زیست‌محیطی نیز از طریق مستندسازی پیشگیرانه مناطق حساس، مانند نقشه‌برداری تأسیسات



| حیدر قفیه |

| مسئول آموزش انجمن حرفه‌ای روانماینان گردشگری استان بوشهر|

جنگ‌ها فراتر از تلفات انسانی و تخریب زیرساخت‌ها، آثار مخربی بر محیط‌زیست برجای می‌گذراند که اکوسیستم‌ها، تنوع‌زیستی و معیشت جوامع محلی را تهدید می‌کنند. تخریب زیستگاه‌ها، آلودگی آب و خاک و انتشار گازهای گلخانه‌ای از جمله پیامدهای زیست‌محیطی جنگ‌ها هستند که در مواردی مانند اوکراین، غزه و عراق شاهد آن بودیم. سازمان‌های غیردولتی (NGO) به‌دلیل استقلال، انعطاف‌پذیری، دسترسی به دانش علمی و بهره‌مندی از شبکه‌های جهانی، نقش محوری در کاهش این اثرات ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها در سه مرحله کلیدی (پیشگیری، مدیریت در زمان درگیری و بازسازی پس از جنگ) فعالیت دارند و از طریق آگاهی‌بخشی، مستندسازی، اقدامات اضطراری و بازسازی اکوسیستم‌ها، به حفاظت از محیط‌زیست کمک می‌کنند. این یادداشت با بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، چالش‌های پیش روی آنها و ارائه راهکارهایی برای تقویت اقداماتشان، به اهمیت این سازمان‌ها در ایجاد آینده‌ای پایدار برای مناطق جنگ‌زده می‌پردازد.

پروژه‌های زیست‌تالایی، مانند استفاده از میکروارگانیس‌ها برای پاکسازی آلودگی‌های نفتی، روشی مؤثر برای احیای خاک و منابع آبی به‌شمار می‌رود. صندوق جهانی حیات‌وحش (WWF) در عراق (۲۰۲۳–۲۰۱۳) با بهره‌گیری از این روش، بخشی از تالاب‌های جنوب عراق را احیا کرد و معیشت ۲۰ هزار خانوار را بهبود بخشید. بازکاشت گونه‌های بومی، مانند جنگل‌کاری در ویتنام پس از جنگ برای احیای مناطق آسیب‌دیده از عامل نارنجی (Agent Orange)، موجب بازگشت تنوع‌زیستی شد. همچنین، ترویج کشاورزی پایدار (مانند توزیع بذرهاي مقاوم توسط آکسفام در یمن) معیشت ۱۰ هزار خانوار را تقویت کرد. تهیه گزارش‌های حقوقی، نظیر اقدام اکواکشن در اوکراین که منجر به جذب ۲۰ میلیون یورو در نشست COP۱۸ شد، نقش مهمی در تأمین بودجه بازسازی و ارتقای سیاستگذاری‌های زیست‌محیطی دارد.

ویژگی‌های منحصربه‌فرد سازمان‌های مردم‌نهاد، از جمله دانش علمی، تجربه محلی، ارتباطات جهانی و انعطاف‌پذیری، آنها را به بازیگرانی مؤثر در این حوزه تبدیل کرده است. دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، مانند سنجش از دور، امکان مستندسازی دقیق را فراهم می‌کند. همکاری با جوامع محلی، شناخت عمیق‌تری از نیازهای منطقه‌ای ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که ارتباط با نهادهای چون برنامه محیط‌زیست سازمان ملل و دیوان کیفری بین‌المللی، حمایت جهانی را جلب می‌کند. انعطاف‌پذیری این سازمان‌ها نیز به آنها اجازه می‌دهد در شرایط بحرانی، جایی که دولت‌ها با محدودیت روبرو هستند، سریع و مؤثر وارد عمل شوند. بااین‌حال، این سازمان‌ها با چالش‌هایی چون خطرات امنیتی، محدودیت‌های مالی و مقاومت سیاسی مواجه‌اند. اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد در مناطق جنگی با

روزنامه پیام

خبر روزنامه پیام

گردوخاک تهران

تا پنج روز ادامه دارد

اداره‌کل هواشناسی استان تهران از تداوم وزش باد و خیزش و انتقال گردوخاک از استان‌های مجاور تا پنج روز آینده خبر داد.

براساس پیش‌بینی اداره‌کل هواشناسی استان تهران، طی پنج روز آینده، آسمان استان صاف تا قسمتی ابری خواهد بود و در ساعات بعدازظهر، افزایش وزش باد در گستره استان و افزایش ابر در نیمه شمالی پیش‌بینی می‌شود. بنا به اعلام اداره‌کل هواشناسی استان تهران این شرایط تا پنج روز آینده تداوم دارد.

براساس اعلام اداره‌کل هواشناسی استان تهران، ورانین با بیشینه دمای ۴۰ درجه سانتی‌گراد گرم‌ترین ایستگاه استان تهران در ۲۴ ساعت گذشته گزارش شده است. آسمان تهران امروز، پنجم تیرماه، صاف و در بعدازظهر همراه با افزایش باد، گاهی وزش باد شدید و احتمال گردوخاک با حداقل دمای ۲۲ و حداکثر دمای ۳۶ درجه سانتی‌گراد و در روز جمعه، ۶ تیرماه، نیز صاف و در بعدازظهر افزایش باد با حداقل دمای ۲۲ و حداکثر دمای ۳۸ درجه سانتی‌گراد پیش‌بینی شده است.اایسنا

آتش‌سوزی جنگلی در

جزیره «خیوس» یونان

رسانه‌های محلی یونان گزارش دادند آتش‌سوزی طبیعی بزرگی، جزیره خیوس در این کشور را تحت‌تأثیر قرار داده است. در آتش‌سوزی سه روز متوالی است که در دو جبهه اصلی فعال است. شبکه تلویزیونی ERT گزارش داد شعله‌های آتش به نزدیکی روستای «لیتی» و ساحل مجاور آن رسیده و به محصولات کشاورزی و مناطق جنگلی آسیب رسانده است. وزش باد شدید، خطر گسترش آتش را تشدید و مقامات را وادار به صدور دستور تخلیه کرده است. صدها نیروی انسانی به‌همراه هواپیماها و بالگرد‌ها در تلاش برای اطفای حریق هستند. به گزارش آناتولی، مقامات در این جزیره وضعیت اضطراری اعلام کرده‌اند.اایسنا

آلودگی صوتی بیش از

۱۱۰ میلیون نفر در

اروپا را درگیر کرد

آژانس محیط‌زیست اروپا (EEA) در گزارش جدید خود اعلام کرد بیش از ۱۱۰ میلیون نفر در سراسر اروپا در معرض آلودگی صوتی تهدیدکننده قرار دارند که سالانه منجر به ۶۶ هزار مرگ زودرس می‌شود. براساس این گزارش، سروصدای ناشی از حمل‌ونقل، پس از آلودگی هوا و مسائل مربوط به دما، یکی از خطرات اصلی سلامت زیست‌محیطی در اروپا است. قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض سروصدای حمل‌ونقل با ۶۶ هزار مرگ زودرس در هر سال در اروپا و همچنین حدود ۵۰ هزار مورد جدید بیماری قلبی و ۲۲ هزار مورد دیابت نوع ۲ مرتبط است. نزدیک به ۱۶.۹ میلیون اروپایی از سروصدای حمل‌ونقل به‌مدت طولانی رنج می‌برند، درحالی‌که حدود ۴.۶ میلیون نفر با اختلالات شدید خواب مواجه هستند. این مطالعه همچنین آلودگی صوتی را با هزاران مورد افسردگی و زوال عقل مرتبط دانسته است. حدود ۱۵ میلیون کودک در مناطقی با سطوح سروصدای مضر زندگی می‌کنند که در این گزارش آمده است خطرات سلامتی ناشی از آن گاهی حتی بیشتر از دود سیگار است. به‌گزارش آناتولی، این گزارش همچنین تخمین زد که آلودگی صوتی ناشی از حمل‌ونقل، سالانه حدود ۹۵.۶ میلیارد یورو ضرر اقتصادی در سراسر اروپا در پی دارد که بدلیل تأثیرات اقتصادی مرتبط با سلامت، معادل ۰.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی است. در همین‌حال، متخصصان هشدار دادند که بعید است اتحادیه اروپا بتواند به هدف خود تا سال ۲۰۳۰ (کاهش ۳۰ درصدی تعداد افرادی که به‌طور مزمن تحت‌تأثیر سروصدای حمل‌ونقل قرار دارند) دست یابد، مگر اینکه اقدامات بیشتری انجام شود. این مطالعه می‌گوید اقداماتی که به‌واسطه مقررات پشتیبانی می‌شوند، کلید اجرای مداوم و مؤثر هستند و به گام‌هایی مانند کاهش محدودیت سرعت شهری، ترویج حمل‌ونقل عمومی و تسهیل پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری برای کاهش سروصدای ترافیک جاده‌ای اشاره می‌کند. متوسط سطح سروصدا در محیط‌های شهری طی سه دهه گذشته ۱۰۰.۵–۱۰۰ دسی‌بل در حد مزمن علاوه بر وز در (مثل سردرد)، مستقیماً با بیماری‌های قلبی عروقی، اضطراب و افسردگی، کاهش شنوایی و در دانش‌آموزان مدرسه‌ای، اختلال در رشد شناختی مرتبط است.اایسنا

روزنامه سیاسی - اجتماعی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیژی
 سردبیر: فاطمه علی‌اصغر
 دبیر ویرانامه‌ها: شبنم شکوریان
 ویدئو ژورنالیسم: سامان موحدی‌راد
 مدیر هنری: تیتا صمدیان

دبیر عکس: پاسرخ خدیژی
 دبیر محیط‌زیست و منابع طبیعی: فاطمه باباخانی
 دبیر انرژی، کشاورزی و جامعه محلی: ستاره حجتی
 دبیر میراث فرهنگی: فرزانه قبادی
 صفحه‌آخر: صدف سرداری
 صفحه‌آرایی: علی اکبرزاده، آتنا شریف‌زاده

خبرنگاران: فروغ فکری، حمیدرضا میرزاده، مرضیه قاضی‌زاده، مریم محمودخواه، کبریا حسن‌زاده، مرجان حاج رحیمی، سمیه ایمانیان، نادره واللی‌زاده، فراد احمدی، کوثر نمک‌شناس، مریم کاظمی‌زاده، فرح

اپوئالی، ریحانه حیدری، پریسا ساسانی، کوروش دیباج، مجتبی بیگنری
 بازاریابی و تبلیغات: محمد زک
 اداری: ندا صفاریان، فاطمه آقامالی، الهام سرگزی، شیوا کرمی

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ها:
 آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌جردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
 آگهی‌های تهران: لیلی میرافضل ۰۹۰۹۴۲۷۴۴۶۰
 برگزاری رویداد: داخلی ۳
 مدیرمسئول: داخلی ۴
 تحریریه: داخلی ۱
 استان‌ها: داخلی ۲
 تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰
 شماره نمابر: ۰۲۱-۷۴۲۲۰۵
 تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰
 نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شری ۲ / تلفن: ۰۲۴-۲۲۴۴۰۸۶
 ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com
 ایمیل تحریریه: khabar.payamema@gmail.com
 @payamema
 @payamema
 ۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
 www.payamema.ir



حسی بود که این پرستار جوان به شدیدترین شکل تجربه کرده بود. صبح با چشمانی گودرفته و هراسناک به‌سمت منزل رفت. پرستاری که نخواست نامش منتشر شود، حیرت عمیقی نسبت به واکنش خودش داشت. او به‌واسطه محل زندگی خود و خوارش که در منطقه ۷ است و خبر تخلیه این منطقه در شبانگاه دوم تیر منتشر شد، اضطراب سختی را برای خانه و خانواده‌اش تجربه کرده بود. این آقای پرستار سکوت سنگینی را که پس از خبر اعلام حمله در بخش حاکم شده بود، از یاد نمی‌برد و از میلش به زندگی متعجب است. این پرستار باسابقه گفت: «از زمان اعلام حمله تا شروع انفجارها ترس از مردن و میل به زیستن در وجودم بیدار می‌کرد و این فعل و انفعالات، حسی را که تا به حال تجربه نکرده بودم، زنده کرد.» از او راجعه می‌لش به فرار و یا ترک بیمارستان در بیمارستان می‌پرسم و او به اولویت‌بندی بیمارستان اشاره می‌کند. این پرستار در آن واحد به تنها بیمار جوان بخش فکر می‌کند و می‌گوید: «با خود فکر کردم اگر جان کسی را بخوایم و بتوانم نجات دهم، جان بیمار ۴۰ساله تخت ۲ است؛ بیماری که نسبت به بیمار ۸۰ و ۹۰ساله فرصت بیشتری برای زیستن دارد.» شبی که «آتش‌پس» نام گرفت، برای عده‌ای لحظه آرامش نبود؛ لحظه‌ای بود که اضطراب و میل به زیستن درم تنیدند. پشت پنجره‌های بیمارستان ترس لرزید، مسئولیت ایستاد و زندگی با تمام شکنندگی‌اش، از خط باریکی میان بقا و فروپاشی عبور کرد.

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»

«علی‌اکبر» بیمار ۶۵ساله‌ای است که در جنگ ایران و عراق حضور داشته و با شنیدن صدای هوپاما و موشک، گویی همان رزمنده سابق است که شناسنامه‌اش را بزرگ کرده بود تا در هزار کیلومتر دور از شهرش بچنگد. حال به‌علت عمل جراحی اسبیر تخت بیمارستان شده است. می‌گوید: «قبلاً جنگ که بود، می‌توانستی تفنگ دستت بگیری و بچنگی، اما الان هیچ‌کاری از دستم برنمی‌آید. فقط نشستم و شاهد موشک‌باران شهر و کشورم هستم.» می‌پرسم شب سختی بود؟ لیخند تلخی می‌زند و می‌گوید: «سخت‌تر از این شب‌ها را گذراندم که این روزها را نبینیم، ولی حیف!» «هادی» تخت بغلی علی‌اکبر است. ۳۳ سال دارد. سربازی نرفته و هیچ تصویری از جنگ و یادگان ندارد. دیشب ساعت یک بامداد پس از یک عمل جراحی سنگین از اتاق عمل به آی‌سی‌یو آمده و به‌واسطه شرایط پس از عمل، درد شدیدی را تجربه کرده است. از نیمه‌شب با صدای متمادی انفجارها، درد شکم را فراموش کرده بود و قصد خروج از تخت و بیمارستان را داشت، اما درد فراوان و اتصالات شکمش، مانع شده بود. او معتقد بود مرگ را به چشم دیده است و شب آتش‌پس، بدترین شب عمرش بود. اما خوش‌شانس‌ترین بیمار دیشب پدر ۸۴ساله‌ای بود که به‌علت نداشتن مسدک هیچ خاطره صوتی از شب آتش‌پس ندارد و سرحال‌ترین بیمار امروز بود. به‌رغم اینکه داشتن تلفن‌همراه در بخش آی‌سی‌یو ممنوع است، به‌علت شرایط پرترش فعلی به بیمارستان

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»

«علی‌اکبر» بیمار ۶۵ساله‌ای است که در جنگ ایران و عراق حضور داشته و با شنیدن صدای هوپاما و موشک، گویی همان رزمنده سابق است که شناسنامه‌اش را بزرگ کرده بود تا در هزار کیلومتر دور از شهرش بچنگد. حال به‌علت عمل جراحی اسبیر تخت بیمارستان شده است. می‌گوید: «قبلاً جنگ که بود، می‌توانستی تفنگ دستت بگیری و بچنگی، اما الان هیچ‌کاری از دستم برنمی‌آید. فقط نشستم و شاهد موشک‌باران شهر و کشورم هستم.» می‌پرسم شب سختی بود؟ لیخند تلخی می‌زند و می‌گوید: «سخت‌تر از این شب‌ها را گذراندم که این روزها را نبینیم، ولی حیف!» «هادی» تخت بغلی علی‌اکبر است. ۳۳ سال دارد. سربازی نرفته و هیچ تصویری از جنگ و یادگان ندارد. دیشب ساعت یک بامداد پس از یک عمل جراحی سنگین از اتاق عمل به آی‌سی‌یو آمده و به‌واسطه شرایط پس از عمل، درد شدیدی را تجربه کرده است. از نیمه‌شب با صدای متمادی انفجارها، درد شکم را فراموش کرده بود و قصد خروج از تخت و بیمارستان را داشت، اما درد فراوان و اتصالات شکمش، مانع شده بود. او معتقد بود مرگ را به چشم دیده است و شب آتش‌پس، بدترین شب عمرش بود. اما خوش‌شانس‌ترین بیمار دیشب پدر ۸۴ساله‌ای بود که به‌علت نداشتن مسدک هیچ خاطره صوتی از شب آتش‌پس ندارد و سرحال‌ترین بیمار امروز بود. به‌رغم اینکه داشتن تلفن‌همراه در بخش آی‌سی‌یو ممنوع است، به‌علت شرایط پرترش فعلی به بیمارستان

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»



شب‌ی که مرگ پشت پنجره ایستاد

بامداد سوم تیر شبی عجیب برای ساکنان جغرافیای تهران بود. این را می‌شد از چشمان گودرفته پرستارانی که صبح آمده بودند تا شیفت را تحویل بگیرند، خواند. همه گوشی‌به‌دست در حال قطع و وصل فیلترشکن برای دنبال کردن اخبار بودند. موجی از امید و شادی در جمع حاکم بود. عده‌ای اما به این سکون و سکوت تحمیلی خوش‌بین نبودند. کافی است در هنگامه جنگ بیمار باشی و یا بیماری داشته باشی تا دریابی بالاتر از سیاهی رنگی هست. در شبی که آسمان تهران از دود و نور پرندگان جنگی روشن بود، بیماران و همراهانشان اوقات عجیبی را گذراندند؛ شبی که دیگر سوم تیرماه نیست و به شب آتش‌پس معروف است.



زهرا کاراکی | روزنامه‌نگار و پرستار

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»

آرامش پس از طوفان یا آتش زیر خاکستر

به‌سمت باغ فردوس می‌روم. چند شهروند عادی سوار موتور از کنارم عبور می‌کنند. لیخند روی لبان هیچ‌کس نیست. حدود ساعت ۱۱ به باغ فردوس می‌روم. خلوت خلوت، آرام آرام، پرند پر نمی‌زند. دو سه نفری از کنارم عبور می‌کنند. چند پیرمرد روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و با سکوت به روبه‌رو نگاه می‌کنند. بیشتر مغازه‌ها بسته‌اند. ماشین‌ها در حال عبور از خیابان، اما خیابان ولیعصر آرام است. با یکی از دوستانم تماس می‌گیرم. می‌گویم: «حالا که آتش‌پس اعلام شده، چه خوب میشه اگر ببینمت.» در پاسخ می‌گوید: «نه! آتش‌پس نقش شده!» با تعجب می‌گویم: «از صبح چندبار تأیید کردند. آخرین‌بار هم حدود ساعت ۹ تأیید کردند.» می‌گوید: «نه! تلفن را قطع می‌کنم. سری به رسانه‌ها می‌زنم و می‌بینم آتش‌پس نقش شده.» ناراحت راهم را ادامه می‌دهم. وارد یک کافه می‌شوم. چند نفری آرام روی صندلی‌ها پشت میزها نشسته‌اند. مات و مبهوت به اطرافشان خیره‌اند. سفارشم را می‌دهم. می‌پرسم: کارتخوان کار می‌کنند؟ پاسخ می‌شوم: برخی. قهوه‌ها را تحویل می‌گیرم بیرون می‌روم. کمی جلوتر وارد پلاستیک‌فروشی می‌شوم. قیمت چند دبه را می‌پرسم. به فروشنده می‌گویم: «حالا که آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.» یکی دیگر از مشتریان هراسان جلو می‌آید و می‌گوید: «ای خدایا! آتش‌پس نقش شده، بهتر است چندتا دبه آب در خانه ذخیره داشته باشیم.»

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۵
 تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۴/۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۵
 تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۴/۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۵
 تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۴/۱۲

